

واژگان درس سوم کتاب زبان دوازدهم – صفحه ۱

ability	توانایی	call	نامیدن	cross out	حذف کردن، از دور خارج کردن
absence	غیبت	catch (a) cold	سرد شدن، سرما خوردن	danger	خطر
absorb	جذب کردن	certain	معین، خاص، مطمئن	date	تاریخ، خرما
according to	بر طبق	character	ویژگی، شخصیت	deal with	سر و کار داشتن، مدیریت کردن
achieve	رسیدن به، دستیابی	charge	شارژ کردن، هزینه	delivery	توزیع، پخش، تحویل
action	اقدام، عمل	china plate	بشقاب چینی	demand	تقاضا کردن، تقاضا
activity	فعالیت	classmate	همکلاسی	digest	هضم کردن، خلاصه
actually	واقعاً	clean energy	انرژی پاک	disability	ناتوانی
advice	نصیحت، توصیه	client	مشتری، موکل	distance	فاصله، مسافت
air conditioner	دستگاه تهویه	cloth	لباس، پارچه	document	سند، مدرک
alternative	گزینه، جایگزین	clue	نشانه، سرنخ	dread	ترسیدن، ترس
amount	مقدار	coal	ذغال	economy	اقتصاد، صرفه جویی
ancient	باستانی، قدیمی	collector	جمع آوری کننده	electric car	خودروی برقی
anger	خشم، عصبانیت	come on	زود باش، عجله کن	electricity	برق، الکتریسیته
another	دیگر، دیگری	come up with	کشف کردن، یافتن	engine	موتور
apologize for	غذرخواهی کردن برای	community	جامعه، اجتماع	enough	کافی، بس
apply for a job	تقاضای شغل دادن	compare	مقایسه کردن	environment	محیط زیست
around	اطراف، حدوداً	component	جزء، مؤلفه	equivalent	برابر، معادل
as a result of	در نتیجه ی	conclude	نتیجه گیری کردن	especially	مخصوصاً
as well	همچنین	concluding sentence	جمله ی نتیجه	factory	کارخانه
at birth	هنگام تولد	confusing	گیج کننده	fall asleep	به خواب رفتن
atmosphere	جو، اتمسفر	consider	در نظر گرفتن	falling water	آبشار
baby	نوزاد، کودک	consist of	متشکیل شدن از	fan	پنکه، باد بزن
background	زمینه، سابقه	constantly	دائماً، پیوسته	fantastic	خارق العاده، خیالی
balcony	ایوان، بالکن	consume	مصرف کردن	feather	پر
barbecue	کباب خوری	convert into sth	تبدیل شدن به	figure	عدد، رقم، شکل
BC (Before Christ)	پیش از میلاد حضرت مسیح	cook (v,n)	آشپز، پختن	fill	پر کردن
be worried about	نگران چیزی بودن	cool (v,adj)	خنک، خنک کردن	finally	سرانجام
benefit	امتیاز، مزیت	cooperate	همکاری کردن	find out	یافتن، متوجه شدن
blow	وزیدن، دمیدن	correct	درست، تصحیح کردن	fitness	تناسب اندام
broth	سوپ، آبگوشت	cost	هزینه، ارزش داشتن	flashlight	چراغ قوه
building	ساختمان، بنا	count	حساب کردن	flock	رَمه، گروه، گرد آمدن
burn (burnt)	سوزاندن، سوختن	counterpart	همتا، معادل	fly (flew, flown)	پرواز کردن
		create	خلق کردن، ساختن		

واژگان درس سوم کتاب زبان دوازدهم – صفحه ۲

fond	مشتاق، علاقه مند	kite	بادبادک	outlet	خروجی، پرز
forever	برای همیشه	landfill	محل دفن زباله	overcome	غلبه کردن
form	تشکیل دادن	last	آخر، طول کشیدن	pay	پرداختن
formula	فرمول	lead to	منجر شدن به	perfect	کامل، بی نقص
fossil fuel	سوخت فسیلی	leader	رهبر	Persia	ایران
future generation	نسل بعدی	LED light bulb	لامپ برق ال ئی دی	planet	سیاره
gadget	دستگاه، ابزار	less	کمتر	plug in	به برق وصل کردن
garbage	زباله، آشغال	light (v,n,adj)	روشن کردن، روشنایی، سبک	Pluto	سیاره پلوتون
gasoline	بنزین	like	مثل	Solar System	منظومه شمسی
charity	کار خیر	likelihood	احتمال	pollute	آلوده کردن
get familiar with	آشنا شدن با	liquid fuel	سوخت مایع	portable	قابل حمل، سبک
get ready	آماده شدن	load	بار، بارگذاری کردن	power	قدرت، انرژی
gift	هدیه، کادو	local	محلی، بومی	practical	عملی، کاربردی
give off	منتشر کردن، بیرون دادن	lower	کم کردن، پایین آوردن	principal	اصلی، مدیر
goal	هدف	machine	دستگاه، ماشین	proverb	ضرب المثل
gradually	تدریجاً، به تدریج	magic	جادویی، سحر آمیز	racehorse	اسب مسابقه
hand washing	شستن با دست	main	اصلی، مهم	radiation	انتشار، تشعشع
harm	صدمه، آسیب زدن	margin	حاشیه	reach	رسیدن
harmful	مضر	material	ماده، جنس	reason	دلیل
hatch	از تخم در آمدن	Mercury	سیاره عطارد	recent	اخیر، جدید
heartbeat	ضربان قلب	mind	ذهن، خاطر	reduce	کاهش دادن
herd	گله، رمه، جمع شدن	monitor	کنترل کردن، صفحه نمایش	regular	منظم
highway	بزرگراه	mouth	دهان	remember	به یاد آوردن
however	هرچند	namely	یعنی، به نام	remind	یادآوری کردن
hybrid car	خودروی ترکیبی	natural	طبیعی	remote-controlled car	خودروی کنترلی از راه دور
hydropower	تولید انرژی با آب	Neptune	سیاره نپتون	renewable	تجدید پذیر
illness	بیماری	next to	کنار، نزدیک	repeat	تکرار کردن
inform	اطلاع دادن	no longer	دیگر	replace	جایگزین کردن
introduce	معرفی کردن	nobody	هیچکس	require	نیاز داشتن
job	کار، شغل	nonrenewable	تجدید ناپذیر	review	مرور کردن
joint	مفصل	nowadays	امروزه	revolve	چرخیدن، دور زدن
Jupiter	سیاره مشتری	obey	اطاعت کردن	if	اگر، که آیا
kinetic	جنبشی، حرکتی	oil resources	منابع نفتی	rich	غنی، ثروتمند
mechanical power	انرژی مکانیکی	on the basis of	بر اساس	river	رودخانه
		organic	طبیعی، اصلی، آلی		

واژگان درس سوم کتاب زبان دوازدهم - صفحه ۳

roll	غلطیدن، دَوَران کردن	take sth in	جذب کردن چیزی
roof	سقف ، پشت بام	take the place of	جای چیزی را گرفتن
run	راه اندازی کردن	therefore	بنابر این
running water	آب جاری	thus	بنابر این
heat (v,n)	گرم کردن، گرما	tide	جزر و مد
Saturn	سیاره زُحل	together	با همدیگر
save	ذخیره کردن، نجات دادن	traffic rules	مقررات راهنمایی رانندگی
select	انتخاب کردن	truck	کامیون
separate	جدا کردن، مجزا	turbine	توربین
shelf	قفسه	turn	چرخیدن
shiny panel	صفحه ی براق	unit	واحد، دستگاه
sight	بینایی ، دید	until	تا زمانی که
sign	علامت، امضا کردن	upset	ناراحت، افسرده
since then	از آن زمان به بعد	Uranus	سیاره اورانوس
snack	خوراکی مختصر	use up	مصرف کردن
solar power	انرژی خورشیدی	vacuum cleaner	جارو برقی
space station	ایستگاه فضایی	valuable	ارزشمند
special	خاص	variety	تنوع، تغییر
spoil	فاسد شدن، خراب کردن	Venus	سیاره زهره
stable	پایدار، طویل	Mars	سیاره مریخ
stone	سنگ	videophone	تلفن تصویری
store	ذخیره کردن، فروشگاه	visible	مرئی، قابل دیدن
stove	اجاق خوراک پزی	voluntary	داوطلبانه
string light bulb	لامپ برق رشته ای	wait	منتظر ماندن
strong	قوی	warn	هشدار دادن
structure	سازه، ساختار	waste	هدر دادن، چیز زائد
succeed	موفق شدن	weigh	وزن داشتن
such as	از قبیل	well-known	معروف
suitcase	چمدان	wheel	چرخ
sunshine	تابش خورشید	whether	خواه...خواه ، که آیا
supply sb with sth	برای کسی چیزی فراهم کردن	while	زمانی ، اما
surround	احاطه کردن	wind	باد
swimming pool	استخر شنا	wind tower	برج بادی، بادگیر
take photograph	عکس انداختن	worm	کرم
		yard	حیاط